

نگاهی به کتاب «آبروی از دست رفته کاترینا بلوم» نوشته هاینریش بل (ترجمه آقای حسن نقره‌چی)

کیوان تابان

«آبروی از دست رفته کاترینا بلوم» یا «خشونت چگونه شکل می‌گیرد و به کجا می‌انجامد» نوشته هاینریش بل نویسنده نامدار آلمانی است با ترجمه آقای حسن نقره‌چی. ترجمه ایشان روان و در دسترس و قابل خواندن است، و ترجمه ایست مستقیم و بی‌واسطه از زبان آلمانی. کتاب از انتشارات نیلوفر است (چاپ اول ۱۳۸۳).

هاینریش بل این کتاب را در سال ۱۹۷۴ قلم زد. ترجمه حاضر از چاپ هفتم این کتاب است در سال ۱۹۷۸ میلادی. در یک نگاه کلی، این داستان روایتی است باریک بینانه و «آلمانی» که بل از آنچه پس پرده روایت‌ها و داستان‌های چاپ شده در نشریات زرد می‌گذرد، بدست می‌دهد. وی با دقت موشکافانه‌ای داستان یک «رسوایی» و قتلی منتج از آن را نقل می‌کند. حرف دهان مردم و شایعات رایج و باورها و خصومت‌های نهادینه شده در ذهن آدم‌ها و اینکه چگونه به قلب واقعیت و انحراف ذهن‌ها کمک می‌کنند را پیش روی خواننده می‌چیند و آشکارشان می‌کند. از روابط پشت پرده و پنهان‌بی‌آزار و بی‌غرض و بی‌ربط به خبرهای رایج در مورد یک شخص یا اشخاصی که از بد حادثه دست و پاگیر و تهدیدگر طرفینشان می‌شود پرده می‌گیرد، و خط‌پذیری نتیجه‌گیری‌های انسانی و شکنندگی روابط اجتماعی حتی صمیمی و قدیمی را به ما می‌نمایاند. بل در این کتاب شمشیر بروی رسانه‌ها-- بخوانید روزنامه‌های-- پرتیاز و پرمخاطبی کشیده است که بی‌مبالاتی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها و غیر حرفه‌ای بودن‌هاشان ریشه‌ی زندگی‌ها را از زمین کشیده است و می‌کشد. از قضا نویسنده خود هم از این بلا بدور نمانده است، و شاید گزندگی انکارناشدنی این داستان برخاسته از تجربه شخصی او باشد.

داستان گزارش‌گونه بل از زن مطلقه جوانی به نام کاترینا بلوم می‌گوید که به قتل یک روزنامه‌نگار که داستان دستگیری او و ارتباطش با یک مجرم تحت تعقیب را پوشش می‌داده است، اعتراف می‌کند. بل با نگاهی دقیق ارتباطات و مناسبات اجتماعی را تصویر می‌کند و به نقش رسانه‌ها در شکل دادن افکار و قضاوت‌های عمومی می‌نگرد. کاترینا و زندگی شخصی‌اش، که مثل تمام مسائل شخصی در جاهایی مبهم و خاکستری است، قربانی میل و کشش مرسوم و بیمارگونه عوام و خبرسازان به خلق جعلیات به ظاهر عقل‌پسند می‌شوند. حالا یک زن جوان بیست و هفت ساله در محیطی متخاصم و احساسات‌زده که آتش احساسات‌زدگی آدم‌هایش با باد مزخرفات بی‌اساس رسانه مهم پرمخاطبی‌گر می‌گیرد، رهایی از بی‌منطقی و خشونت ذهنی و روانی جامعه را در توسل به خشونت می‌جوید. در اینجا است که بار خشونت را با خونسردی به مقصد می‌رساند. خونسردی‌ای که انجام قتل و اعتراف به قتل را مدیریت می‌کند و اشاره‌ای همیشه معتبر به چرخه مشروعیت‌گیری خشونت از خشونت می‌کند.

نثر این داستان ساده و مستقیم و گزارش‌وار و دور از پیچیدگی‌های زبانی است. هاینریش بل بی‌پیرایه و بی‌تعارف به موضوعی پرداخته است که متأسفانه در این روزها، بعد از گذشت حدود پنجاه سال از انتشار این کتاب، هنوز هم مصداق دارد، و با پیشرفت فناوری‌ها و ظهور اینترنت و رسانه‌های اجتماعی شکل آخرالزمانی‌تری به خود گرفته است. باشد تا با خواندن این کتاب و کتاب‌ها نگاه نقادانه‌تری به خبرهای پیرامونمان و فکرها و قضاوت‌هایمان بیاندازیم.

پایان